

3082

د -

20



The Criticism of Foundations of Jihadist Salafism

فاطمی نژاد، مجید، ۱۳۶۰ -	سرشناسه
طاغوت/نویسنده مجید فاطمی نژاد؛ زیر نظر مهدی فرمانیان؛ [برای] موسسه مطالعات دینی	عنوان و نام پدیدآور
قم: رهپویان اندیشه، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۳۵ ص: ۵/۹×۵/۱۹ س.م.	مشخصات ظاهری
نقد مبانی سلفیه جهادی؛ ۲.	فروست
دوره: ۳-۶-۹۶۴۷۷-۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۳۷-۸-۰	شابک
فیا	وضعیت فهرست نویسی:
کتابنامه: ص: ۳۲ - ۳۵.	یادداشت
نمایه.	یادداشت
تکفیری ها -- عقاید	موضوع
Takfiris (Islamic sect) -- Doctrines*	موضوع
تکفیر (فقه) -- نقد و تفسیر	موضوع
-- Criticism and interpretationExcommunication (Islamic law)	موضوع
شرک -- نظر وهابیه	موضوع
Polytheism -- Views of Wahhabiyah	موضوع
شرک	موضوع
Polytheism	موضوع
فرمانیان، مهدی، ۱۳۵۲ -	شناسه افزوده
Farmanian, Mehdi	شناسه افزوده
موسسه مطالعات بنیان دینی	شناسه افزوده
BP۲۰۸/ف۲ط۲ ۱۳۹۷	رده بندی کنگره
۲۹۷/۴۱۹	رده بندی دیویی
۵۲۰۸۸۷۳	شماره کتابشناسی ملی



۲

تقدیمی و جمعی

طاغوت

تألیف

- مجید فاطمی نژاد
- زیر نظر دکتر مهدی فرمانیان



۲

طاغوت

- **تالیف:** مجید فاطمی نژاد
- **زیر نظر:** دکتر مهدی فرمانیان
- **ناشر:** رهپویان اندیشه
- **چاپخانه:** بوستان کتاب
- **نوبت چاپ:** اول - تابستان ۱۳۹۷
- **تیراژ:** ۵۰۰۰ جلد
- **قیمت:** ۳۰۰۰ تومان
- **شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۳۷-۸-۰

موسسه مطالعات بنیان دینی

انتشارات رهپویان اندیشه

صندوق پستی: ۱۱۳۳-۳۷۱۶۵

تلفن: ۰۹۹۰۴۷۵۳۷۸۵

فهرست مطالب

۷	سخن آغازین
۹	مقدمه
۱۰	مفهوم‌شناسی طاغوت
۱۱	طاغوت از منظر سلفیه
۱۳	دیدگاه و دلیل تکفیری‌ها درباره حاکم طاغوت
۱۴	نکته اول: رابطه طاغوت و کفر
۱۵	نکته دوم: تفسیر آیه «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ...»
۱۶	حاکم انصاری طاغوت؛ بررسی و نقد
۱۸	طاغوت به من مدعی علم غیب؛ بررسی و نقد
۲۰	نقد دیدگاه تکفیری‌ها در معنای «يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ»
۲۲	ارتباط بین کفر به طاغوت و ایمان به خدا
۲۶	بررسی و نقد دیدگاه تکفیری‌ها در تفسیر «جَتَا بِأَنْزِلُ طَاغُوتُ»
۲۸	تحاکم به طاغوت
۳۱	نتیجه
۳۲	منابع

سخن آغازین

امروزه جهان اسلام در آتش تکفیر می‌سوزد و شهرها و مناطق مختلفی از جهان اسلام، گرفتار این بلای خانمان سوز شده است. عده‌ای از حریفان با بدداشت‌های گزینشی از آیات قرآن، همه مسلمانان را تکفیر کرده و با اسیر و غارت از مفاهیمی همچون حاکمیت الله، جاهلیت، طاغوت، جهاد و خلافت اسلامی، جهان اسلام را دارالکفر معرفی کرده و به مبارزه علیه حاکمان اسلامی می‌پردازند. گویا خوارج دوباره ظهور کرده‌اند و با شعار «وَمَنْ لَمْ يَخُكْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»؛ تمام امت اسلامی را تکفیر می‌کنند و بدتر از خوارج، به قتل و کشتار مسلمانان اعم از زن و مرد، پیر و جوان و اسیر و مسافر می‌پردازند.

فقدان نگرش جامع و صحیح به کتاب و سنت نبوی و توجه نکردن به آیات و روایات مرتبط به یک موضوع و جمود بر فهم شخصی و تأکید فراوان بر ظاهر از بزرگ‌ترین مشکلات فکری تکفیری‌ها در عصر حاضر است که چالش‌های مختلفی را برای جهان اسلام رقم زده است. تکفیری‌ها با استناد به ظاهر یک یا چند آیه و برخورد گزینشی با

آیات قرآن، دست به هر اقدامی می‌زنند که این رفتار و گفتار با برداشت همه فقها و مفسرین اسلامی در طول تاریخ در تضاد است و موجب قتل و غارت و اسلام‌هراسی شدید در جهان شده است.

بر همین اساس، مؤسسه مطالعات بنیان دینی، در راستای وظیفه ذاتی خود، به تبیین صحیح مفاهیم مورد استفاده تکفیری‌ها پرداخته و تک‌تک مبانی فکری سلفیه جهادی را تحلیل و نقد نموده است؛ تا نشان دهد برداشت و تفسیر سلفیه جهادی از این مفاهیم، غلط و برخلاف اسلام و تفسیر علمای اسلام در طول تاریخ است.

آنچه در پی می‌آید مجموعه‌ای چند جلدی است که به بررسی مفاهیمی همچون جهاد، طاغوت، دارالاسلام و دارالکفر، قاعده «من لم یکفر الکافر فهو کافر»، آیه «وَمَنْ لَّمْ یَحْکُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْکَافِرُونَ»، خروج بر حاکم و دیگر مفاهیم مورد استفاده تکفیری‌ها می‌پردازد. ان شاء الله این مجموعه رضایت خداوند و استقبال جامعه علمی را در پی داشته باشد.

در پایان از همه استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود لغزش‌های این مجموعه را متذکر شوند. یقیناً نویسندگان این مجموعه با دیده منت، پذیرای تذکرات و پیشنهادهای دوستداران قرآن و سنت خواهند بود.

مهدی فرمانیان

رئیس مؤسسه مطالعات بنیان دینی



مقدمه

ماوند متعال برای هدایت انسان‌ها، پیامبران را فرستاد و سفارش کرد تا او را عبادت کنند و از طاغوت و طاغوتیان دوری کنند. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَمَا يَشْتَأِي كُلُّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».^۱ لفظ طاغوت در گذشته به معنای کسی که از آیات قرآن آمده است.^۲ امروزه گروه‌های تکفیری، با سوء برداشت از این لفظ و طاغوت‌نامیدن کشورهای اسلامی، مردم مسلمان را آماج هجوم نظامی خود قرار داده و مرتکب جنایات دهشتناکی شده‌اند.

متأسفانه تکفیری‌ها، در بسیاری از موارد، معنای لغوی طاغوت را بر معنای اصطلاحی و شرعی آن تعمیم داده و همین اشتباه، باعث شده تا همه مسلمانان غیر از خود را، مصداق طاغوت قلمداد کنند. سپس با کافر دانستن هر طاغوت، مسلمانان را تکفیر کنند، به گونه‌ای که دیگر مسلمانی در جهان اسلام باقی نمی‌ماند. برای نمونه، ابو مصعب زرقاوی، تمام حاکمان اسلامی و مردمانی را که از آنها پیروی می‌کنند، مصداق طاغوت دانسته و بر اساس آن، همه مسلمانان را تکفیر می‌کند.^۳ تکفیری‌ها، همچنین تکفیرکردن طاغوت را لازمه ایمان به

۱. نحل: ۳۶. (نک: جواد آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۹، ص ۲۹۷).

۲. سوره بقره آیات ۲۵۷ و ۲۵۶؛ سوره نساء آیات ۵۱، ۶۰ و ۷۶؛ سوره مائده آیه ۶۰؛ سوره نحل آیه ۳۶ و سوره زمر آیه ۱۷.

۳. زرقاوی، ابو مصعب، الکلمات المضیئه، ص ۶.

خدا می‌داند و از نظر آنان، کسی که طواغیت را تکفیر نکند، خودش کافر است. منشاء تمام این تفکرات نادرست سلفیه تکفیری، ظاهرگرایی، تفکر نکردن در آیات و برداشت‌های خوارچ‌گونه است. از نگاه تکفیری‌ها، بسیاری از مسائل و موضوعات مستحده از مصادیق طاغوت است و تنها راه مقابله با آن، جنگ است. در حالی که بنابر دیدگاه همه علمای اسلام، طاغوت دارای مراتبی است که بسیاری از این مراتب، موجب تکفیر نمی‌شود، بلکه تنها انکار توحید و نبوت و عباد است که موجب تکفیر می‌شود.^۱

در این نوشتار، پس از تبیین مفهوم طاغوت، به بررسی و نقد دیدگاه تکفیری در باب حکم و مصداق طاغوت، ارتباط بین طاغوت و کفر و تکفیر طاغوت می‌پردازیم.

مفهوم شناسی طاغوت

در لغت عرب، هر چیزی را که از حد خودش تجاوز کند، طاغوت گویند.^۲ درباره معنای اصطلاحی طاغوت نیز مفسران مسلمان، بیشتر به مصادیق طاغوت اشاره کرده و شیطان، جاهل، ساحر و بت‌ها را از مصادیق طاغوت دانسته‌اند.^۳ طبری، هر طغیان‌کننده بر خاوند، اعم از انسان یا شیطان را طاغوت تفسیر کرده است.^۴ صاحب تفسیر المیزان درباره کلمه طاغوت می‌نویسد: «کلمه طاغوت، به معنای طغیان و تجاوز از حد است... مانند بت، شیطان، جن، پیشوایان ضلالت و

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۲، ص ۱۹۶.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۹؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۰۵.

۳. طوسی، تبیان، ج ۲، ص ۳۱۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ابن کثیر، قرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۲۲.

۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۳، ص ۳۱۳.

